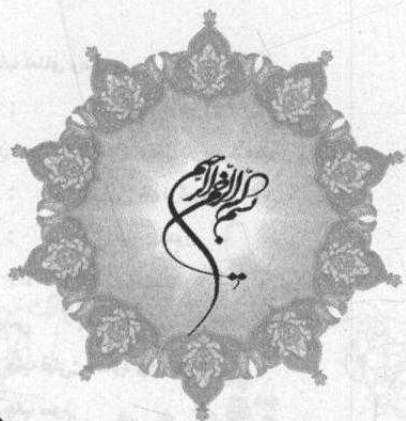




آشنای وصل

(سید السلام)

در پیوند معنوی با امام عصر

ای روی تو مهر عالم آرای

وصل تو، شب و روز تمنای همه



سید مسعود راد

فیبا و شناسنامه کتاب تمنای وصل

سرشناسه : راد، سیدمسعود، ۱۳۴۱ -

عنوان و نلم پدیدآور : تمنای وصل در پیوند معنوی با امام عصر علیه السلام/سیدمسعود راد.

مشخصات نشر : تهران : گل نرگس، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۱۴۰ص: جدول.

شابک : 978-622-99277-1-7

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : چاپ قبلی: مسعود راد، ۱۳۹۶.

یادداشت : چاپ سوم.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - غیبت

Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Occultation موضوع

موضوع : مهدویت -- انتظار

Mahdism -- *Waitii موضوع

رده بندی کتبی : ۱۳۹۷ ۸ ت ۲/۴/۲۲۴BP

رده بندی دیویدی : ۴۶۲ ۱۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۵۲۰۱۷۵۶

شناسنامه

تمنای وصل در پیوند معنوی با امام عصر (علیه السلام)

نویسنده: سید مسعود راد

ناشر: گل نرگس

صفحه آرا: فرشید پیمان پو

توبت چاپ: (چاپ اول ناشر) 1398

شمارگان: 2000

چاپ: گل وردی

تلفن های مرکز پخش

09127092876 - 02133560559

آدرس سایت: golenarges-pub.ir

آدرس الکترونیک: en.golenarges@gmail.com

شماره پیامکی: 500054004

فهرست مطالب:

۹	مقدمه: لحظه‌های بی‌پناهی
۱۷	در پناه کشتی‌های نجات
۱۹	شناخت کشتی‌های نجات
۲۲	• کشتی نوح
۲۳	• کشتی اهل بیت
۲۹	ضرورتِ تمنای وصل و پیوند معنوی با امامان معصوم (ع)
۳۱	امامان هدایت و امامان گمراهی
۳۳	• هر کس با امامش محشور می‌شود
۳۵	• ولایت، رکن دین
۳۹	در پناه کشتی‌های نجات ویژه
۴۱	کشتی‌های نجات ویژه
۴۴	• رسیدگی‌های حوزتی
۵۳	تمنای وصل در پیوند معنوی با امام عصر (ع) و درجات آن
۵۵	معنای اتصال معنوی به امام عصر (ع) و درجات آن
۵۷	• دعای قلبی
۷۱	ضرورتِ تمنای وصل و پیوند معنوی با امام عصر
۷۳	وضعیت عصر غیبت و ضرورت پیوند معنوی با ایشان
۷۵	• مقام دستگیری معنوی امام (ع)
۸۵	کلیدهای طلایی تمنای وصل
۸۷	(۱) - تمنای معرفتِ ائمه معصومین (ع)
۹۳	(۲) - تمنای اظهار دوستی و فرستادن درود و صلوات بر حسن و آل محمد
۹۷	(۳) - تمنای برائت از دشمنان محمد و آل محمد
۱۰۱	(۴) - تمنای معرفتِ امام عصر (ع)
۱۰۵	(۵) - تمنای لعن و نفرین بر دشمنان امام عصر (ع)
۱۰۹	(۶) - تمنای نرم شدنِ قلب برای امام عصر (ع)
۱۱۳	(۷) - تمنای اطاعت و جلب رضایت امام عصر (ع)
۱۱۹	(۸) - تمنای سلامتی و فرج امام عصر (ع)
۱۲۳	(۹) - تمنای یاری و خدمت به امام عصر (ع) و شیعیان ایشان
۱۲۹	(۱۰) - تمنای دیدار و لقای امام عصر (ع)
۱۳۳	«برنامه‌ی محاسبه‌ی تمنای وصل»
۱۳۵	مولای من
۱۳۷	جدول محاسبه‌ی تمنای وصل

مقدمه:

لحظه‌های بی‌پناهی

یک دم غریق بحر خدا شو مکان مبر
از تیرجیه مفت بحریه یک موی تر شوی

در ذهن و اندیشه ی خود چنین می‌کنم که ...

در دریا هستم تابستان است و گرم؛ ولی بدنم کم‌کم از نوک انگشتانم شروع به سرد شدن می‌کند. در گوشم صدای زنی می‌شنوه حباب‌های کف ماندنی از دهانم خارج می‌شود. احساس می‌کنم آب دریا با صرا می‌خواهد وارد دهانم شود. از شدت درد و خستگی کم‌کم دست‌ها و پاها را از کار می‌افتند؛ در این لحظه دهانم را محکم بسته و سعی می‌کنم هرگز با تلاشی مضاعف خود را از سطح آب بالاتر بکشم و به دور دست‌ها نگره‌ها بیاندازم. چند ثانیه‌ای نمی‌گذرد که باز هم پایین‌تر رفته و هر بار مقدار بیشتری از آب دریا به دهانم نفوذ می‌کند. در چنین شرایطی؛ اگرچه بدنت کم‌کم رو به بی‌حرکتی و سکون می‌رود؛ ولی در درونت غوغاییست و در کمتر از یک ثانیه با خودت، خدایت و همه کست، حرف می‌زنی و نجوا می‌کنی...

در دریا، لحظه‌های احتضار را خودت تنها تجربه می‌کنی، تنهای تنها... سکوت عجیبی، اطرافمان را فرا گرفته است اگر چه سه نفریم؛ ولی به شدت احساس تنهایی کرده و می‌ترسیم. اگر چه همه‌ی ما نجات غریق هستیم و برای تمرین شنای استقامت به وسط دریا آمده ایم؛ ولی از زمانی که قایقران از ما اجازه گرفته و برای کار واجبی به ساحل رفته است، با دیر کردنش، لحظه به لحظه ترسمان بیشتر شده است. غرور و ترس زیاد در دریا، یعنی تسلیم مرگ شدن. وقتی کنار ساحلی و دریا آرام است، احساس می‌کنی که دریا با همه‌ی عناصرش، در زیر پای تو زانو زده و در دستان تو اسیرست، صدای حرکت امواج، آبیات می‌کند، بادیدنش شاد و بانشاط می‌شوی و از عظمتش در حیرت می‌روی؛ ولی وقتی در وسط دریا هستی و زیر پایت خالیست، مفهوم دریا برای‌ته کاملاً گرگون می‌شود، امواج آب بالاتر از سر تو قرار دارند و پستی و بلندی سطح آب، آبراهه‌ای می‌دهد که بتوانی دور دست‌ها را ببینی در این لحظات احساس می‌کنی که در دست دریا اسیری و در مقابل پاهایش زانو زده‌ای، احساس می‌کنی که دریا با تو پنهان نیست و با صدای امواجش برایت آهنگ مرگ می‌نوازد تنهای تنها... و تو می‌مانی و دریا... ترسی به سراغت می‌آید که نگو و نپرس...

ابتدا هر سه نفر با هم حرف می‌زدیم و سعی می‌کردیم احرف زدن بر ترس خود غلبه کنیم، ولی کم‌کم از هم دور شده و خسته می‌شویم و نای حرف زدن نداریم. هر کس در سکوت، مشغول دست و پیجه زدن با ترس خود می‌شود. در دریا در جمع هزار نفری هم که باشی؛ اگر همه خسته و ناتوان باشند، باز هم تنهایی. در زندگی هم گاهی، در میان جمع کثیری، تنهای تنهایی...

در دریا، لحظه‌های احتضار را خودت تنها تجربه می‌کنی، تنهای تنها...

لحظات آخر است، تصمیم می گیرم فریادی بزنم و فقط می توانم سریع بگویم: «خدا یا کمک...» و بس. و صدای آن دو دوستم را نیز از دور می شنوم که یکی از آن ها با گریه و فریاد سخن مرا تکرار می کند و دیگری می گوید: «یا صاحب الزمان»

کم سطح آب به بینی ام می رسد، برای نفس کشیدن ته مانده ی انرژی خود را جفای کرده و بدنم را به بالا می کشم، تا بلکه نفسی گرفته و ثانیه ای مرگ خود را عقب بیاورم. در یکی از این بالا کشیدن ها، تنه ی درختی را در چند متری خود می بینم. بخار جان تازه ای می گیرم. امیدوار شده و انرژی ده برابر می شود. به زحمت، خسته ام به آن می رانم، ولی وقتی به آن دست می اندازم و می خواهم به آن تکیه کنم به سختی به زیر آب می روم، غوطه ای خورده و دوباره آب به دهانم سرازیر می شود. بعد از چند ثانیه دوباره به روی آب می آیم و بلافاصله نفسی کشیده و به درخت تکیه می کنم. در می اندازم و متوجه می شوم که چوب پوسیده ای بیش نیست. در این لحظه، ترجیح می دهم به جای اعتماد به چشمانم، برای شنیدن صدای قایق به گوشه های اعتماد کنم. گوشه هایم را تیز می کنم؛ ولی متأسفانه جز صدای پای آجل، صدایی به گوشم نمی رسد. در دریا، لحظه های احتضار را خودت تنها تجربه می کنی، تنه ای تنها... و این خیلی مظلومانه و تلخ است. تو هستی و دریای بی کران و بی دریغی در این لحظات تلخ نیز، کورسوی امیدی در دلت هست، و امید، هر چند کم باشد، شیرین است... در همین لحظه صدای قایق به گوشم می رسد، با همه ی بی رمقی، جستی زده تا کمی سر خود را از آب بیرون آورم ولی موفق نمی شوم. با واضح تر شدن صدای قایق اگر چه توانم تمام می شود و به زیر آب فرو می روم؛ ولی امیدواری و شوق و تمنای رسیدن قایق، باعث می شود که خود را تسلیم آب نکنم. به زحمت؛ ولی محکم تر از همیشه، لبه هایم را بسته و منتظر

می‌مانم، تا بلکه ... تا آمدن قایق زنده بمانم.

امید، به جسم مرده روح می‌دمد، او را نیرو می‌بخشد و زنده‌اش می‌کند...

کم کم قدرت فکر کردن را نیز از دست می‌دهم؛ ... شمارش معکوس آغاز می‌شود، نه، هشت، هفت، شش، پنج، چهار، سه، دو، یک و ... دیگر هیچ ...

پلک‌هایم باز شده و نور سفید و خیره کننده‌ای ظاهر می‌شود و چشمانم را آزار می‌دهد، چشمانم را محکم می‌بندم و دوباره باز می‌کنم، با خود می‌گویم یقیناً آب منهای ارواح پا گذاشته‌ام. ده، پانزده ثانیه طول می‌کشد تا چشمانم به روشنی عادت کند. کم کم چهره‌ی قایقران و چند چهره‌ی ناشناس را که در کنار او ایستاده‌اند، می‌بینم او لبخند زنان؛ ولی اشک ریزان، فریاد می‌زند: الحمد لله، خدا با شکر ... این یکی هم به هوش اومد خدایا شکر، خدایا شکر که کمک کردی تا همگن زنده بمانم. خدایا شکر ...

کمی آب تمیز و خنک می‌نماید. بعد از مدتی کم کم از منگی و گیجی بیرون آمده و دو دوست خود را خوشحال و ولی گریان، در آغوش می‌گیرم. یکی از دوستان به من می‌فهماند که من در قایق، در بین راه خراب شده‌ام و قایقران برای نجات ما، تقاضای کمک کرده و همین منظور طول کشیده است ... قایقران بی‌تقصیر است. در دلم قایقران بی‌گناه می‌بینم؛ سپس از جای برمی‌خیزم، چشمان خود را بسته و در حالی که دستم را به آسمان بلند می‌کنم، دور خود می‌چرخم و با شادی و لبخند با صدای بلند می‌گویم: خدایا شکر ... خدایا شکر ...

امام، همان کشتی نجات الهی است، که برای نجات همه‌ی خلائق و همه‌ی جهانیان، آفریده شده است. همانطور که کار اصلی کشتی نجات، فقط نجات است و دیگر هیچ، کار اصلی امام (علیه السلام) نیز هدایت و دستگیری

انسان‌های جویای سعادت است تا آن‌ها را برای رسیدن به کمال، رشد داده و به مسیر بندگی خدا، هدایتشان کند. امام، همان پناهگاه و کشتی نجات معنویست که هدایت می‌کند، امید می‌دهد و جان می‌بخشد...

همانطور که می‌دانیم، کشتی نجات، همیشه در دریا حضور دارد و به دنبال غریق می‌گردد و نجات‌بخشی، مسئولیت اصلی اوست. کشتی نجات، همیشه در دریا حضور دارد. البته ممکن است کشتی‌های تجاری، ماهیگیری و غیره هم در دریا به طور اتفاقی، کسی را نجات بدهند؛ ولی کار اصلی آن‌ها نجات دادن نیست. نجات وظیفه و کار اصلی کشتی نجات است.

پیامبر اکرم و عتبات گرامش نیز درست مانند کشتی نوح، برای راهنمایی و هدایت انسان‌ها به مسیر سعادت و خشنودی و رضای الهی، آفریده شده‌اند، تا همه را از غرق شدن در کفر و بردگی و هلاکت در دنیا و آخرت، نجات بخشند.

همانطور که دور شدن از کشتی نجات، خط غرق شدن را افزایش می‌دهد. دور شدن از مسیر هدایت امامان معصوم^(علیهم‌السلام) نیز (هر چند به مقدار اندک)، خطر گمراهی و هلاکت را در بر دارد؛ لذا در تعبیر قرآن و احادیث معصومین^(علیهم‌السلام)، کلمه‌ی «تمسکِ دائم»، «چنگ زدن»، و «پیوستن یا همراهی همیشگی» مطرح شده است. که همه‌ی این تعبیر، به معنای پیروی و اطاعت محض از فرامین و دستورات امامان معصوم و اتصال معنوی به آن‌هاست.

خواننده‌ی محترم!

نام این اثر «تمنای وصل» گذاشته شده است؛ چرا که اتصال به امام عصر^(علیه‌السلام) ما را در مسیر ایمان حفظ می‌کند؛ امروز بلاهای مادی و معنوی فراوانی حیات ایمانی همه‌ی مؤمنین و شیعیان را تهدید می‌کند؛ انسان‌های شیطان‌صفت، برای گمراهی مؤمنین و به خصوص فرزندانمان،

برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مفصلی کرده‌اند و قصد دارند که فرزندان ما را به مسیر نابودی و گمراهی سوق دهند امروز ابزارهای پیشرفته‌ای مثل تکنولوژی ماهواره، اینترنت، فضای مجازی و گروه‌های اجتماعی و ... این امکان را ایجاد کرده‌اند که وسوس و اغواگری‌های شیاطین و انسان‌های شیطان صفت، به بالاترین حدّ خود برسد. تمنای ظهور در واقع، با برجسته کردن عبارات کوتاهی از دعاهای مربوط به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) قصد دارد؛ این عبارت را به صورت کلیدهایی برای اتصال به امام مطرح کند، تا خوانندگان آن‌ها کم‌کم بتوانیم قلب خود را برای پذیرش محبت امام (عجل الله تعالی فرجه) شسته نرم، پذیرنده و منعطف نگه داریم و از تزلزل اعتقادی نسبت به وجود ایشان نجات یابیم.

این کلیدها تریاک بملهای، جوان‌پسند و به اصطلاح دانشجویی هستند و خواندنشان وقت را بیهوده می‌نهد و با حفظ کردن و به خاطر سپردنشان در خیابان، اتوبوس، در سینما و در کلاس درس هم قابل اجراست. به همه‌ی مؤمنین، به خصوص جوانان و دانشجویان عزیز، توصیه می‌کنم؛ با توجه به شبهات اعتقادی بسیاری که رسانه‌ها روز در محیط‌های فرهنگی و دانشجویی پراکنده می‌شود و تلاش‌هایی که رسانه‌های مختلف برای ترویج فساد، در بین جوانان متدین می‌کنند، برای پیشگیری و مهارت‌یابی و تیناسیون ذهن و قلب، خود را به خواندن این دعاها عادت دهند. چرا که دعا یکی از بسیار مهمی در پیوند معنوی مداوم با امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) می‌باشد و امروز در عصر غیبت، برای حفظ ایمان، اهمیت فراوانی دارد. کسانی که دارای ایمان ضعیفی هستند در هنگام روبرو شدن با شبهات و پیشنهادهای فساد انگیز به راحتی ایمان خود را از دست داده و فریب می‌خورند؛ اما کسانی که ایمان قوی‌تری دارند، برای یافتن پاسخ شبهات، تلاش جدی‌تری می‌کنند و با خواندن دعاهای مهم و

کلیدی، اتصال معنوی خود را با امام هدایت، حفظ می کنند. «تمنای وصل»، اثر دیگری از مجموعه‌ی پنج جلدی در پناه وصل می باشد، که مانند کتاب طریق وصل سعی در ایجاد یک اتصال دائمی و رابطه‌ای معنوی و پایدار با امام عصر (علیه السلام) دارد.

در ششم خواننده‌ی محترم تقاضا دارم که برای کسب توفیق در تدوین و ارائه‌ی سه جلد دیگر این مجموعه، حقیر را از دعای خالصانه‌ی خود بهره مند سازید و او را سوارم خواهند نمود متعال همه‌ی ما را از متوسلین و متوصلین واقعی به امام عصر (علیه السلام) قرار داده و به این طریق ایمانمان را حفظ نماید و به مسیر هدایت و سعادت ساری خود، در محموم سازد.

به امید آن که این مختصر نتواند وجبات خشنودی حضرتش را فراهم سازد.

ناید مسعود راد